

## اول ماه مه را با خواست دستمزد بر اساس ساعت کارگروه بزنیم



پیش از شروع مطلب، لازم است به این نکته اشاره کنم که جدال کار و سرمایه، تلاش کارگران برای دستیابی به جامعه ای دیگر، زمینه های گسترده ای را شامل می شود، این نوشته فقط به یک زمینه مشخص یعنی مسئله دستمزد کارگران در ایران کنونی می پردازد. از همین رو، برای فشرده گی مطلب، از اشاره به سایر زمینه های بسیار مهم این نبرد، در این مطلب خودداری شده است.

\*\*\*

چند سالی است که ماه اسفند به ماه پرهیاهویی در تاریخ مبارزات کارگران ایران در ارتباط با تعیین حد اقل دستمزد برای سال پیش رو تبدیل شده است. امروز ماهیت شورای عالی کار نهادی که حداقل دستمزد را تعیین می کند بر هیچ ایرانی آگاهی پوشیده نیست، شورای عالی کار که در حقیقت به تقلید از نهادهای سه جانبه غربی متشکل از نمایندگان اتحادیه ها، نمایندگان کارفرمایان و بعضاً نمایندگان دولت به عنوان اعضای بی طرف می باشند تشکیل شده است، اما بد نیست نگاهی به ترکیب اعضای شورای عالی کار بی اندازیم. این شورا متشکل است از وزیر کار به عنوان رئیس شورا و دو نماینده دیگر به پیشنهاد وزیر کار و تصویب هیئت وزیران، سه نماینده از طرف کارفرمایان و سه نماینده به عنوان نمایندگان کارگران به انتخاب کانون عالی شوراهای اسلامی کار. معمای پیچیده ای نیست تا دریابیم که دولت و سپاه پاسداران که خود از بزرگترین کارفرمایان کشورند، شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر هم که نهاد های ساخت دولت (بخوان کارفرمایان) اند. بنا بر این روشن است که کارگران و زحمت کشان از این امامزاده (شورای عالی کار) که همگی اعضایش به نوعی نمایندگان کارفرمایان هستند معجزه ای نخواهند دید. تنها هنر تاکنونی این شورا انداختن تیله ای است به نام تعیین حد اقل دستمزد ماهانه بر اساس حداقل معیشت یک خانوار. متأسفانه بخشی از سندیکا ها و نهادهای مستقل کارگری و یا کارگران مبارز و پیشرو هم به این دام افتاده و با اعلام

درخواست دستمزدهای چهار و پنج میلیونی برای تامین یک خانواده چهار نفره به بحثی دامن میزنند که از اساس نادرست است.

تجربه توافق دستمزدهای امسال خودش درس آموز بود که موضوع به همین سادگی با "چانه زنی" حل نمی شود، نخست بعد از بالا و پایین کردن تعیین دستمزد، با افزایش 29 درصدی موافقت می شود، دو هفته بعد، همان دولت کارفرمایان ارزش واقعی ریال را رسماً 11 درصد در مقابل دلار کاهش می دهد و از 3800 تومان به 4200 تومان می رساند. نرخ واقعی ریال نیز در بازار صرافان در مقابل دلار حدود 22 تا 35 درصد (با در نظر گرفتن نوسان قیمت دلار در بازار صرافان) کاهش می یابد. یعنی هنوز افزایش حقوق واریز نشده، ریال ارزشش بیش از این افزایش حقوق توسط سیاست گذاری بانک مرکزی جمهوری اسلامی کاهش یافته و با تورم جهشی، هر چه بایستی شکاف درآمد کارگران را کاهش دهد، به هیچ و پوچ تبدیل کرد.

آشکار است که بپذیریم از نهادهای دست ساز کارفرمایان یا دولت در چانه زنی برای تعیین دستمزد هیچ معجزه ای به نفع کارگران رخ نخواهد داد چرا که این چانه زنی اساساً یک طرف قدرتمند بیشتر ندارد و ما می دانیم که چانه زنی حداقل میان دو طرف صورت می گیرد. با بیانی ساده می توان گفت دستمزد یعنی فروش نیروی کار، و امروز ارزش نیروی کار بمثابة یک کالا در بازار عرضه و تقاضا تعیین می شود، می دانیم علی رغم ممنوعیت در بسیاری از کشورها امروزه سرمایه داران برای بالا نگاه داشتن قیمت کالاهای خود سعی در انحصاری کردن آن کالاها می کنند در مقابل کارگران نیز برای بدست آوردن قدرت چانه زنی سعی در انحصاری کردن نیروی کار از طریق ایجاد سندیکاها و اتحادیه های کارگری کرده اند. تاریخ مبارزات کارگران که در اصل به قبل از انقلاب صنعتی بر می گردد همواره در حال جدال میان سود حاصله از سرمایه، و فروش کار انجام شده یا همان نیروی کار، یا به عبارت دیگر در جدال میان کار و سرمایه بوده است که امروز از فروش نیروی کار به عنوان دستمزد یاد می شود. درخواست پائین آوردن ساعات کارتا هشت ساعت در روز و یا به عبارت دیگر چهل ساعت در هفته و مبارزه برای به دست آوردن آن هم مستقیماً به جدال میان سود حاصله، از فروش کار انجام شده، باز می گردد چرا که قبلاً محاسبه دستمزدها نه براساس ساعت کار که بیشتر براساس کار روزانه و یا هفتگی محاسبه و پرداخت می گردیده، بنا بر این هرچه ساعات کار در یک روز یا یک هفته بیشتر بود قیمت فروش یک ساعت کار کمتر و هر چه ساعات کار پائین تر آورده می شده میزان دریافتی از فروش کار انجام شده یا همان دستمزد بالاتر می رفته است. مبارزه برای ایجاد تشکلات کارگری در غالب سندیکاها، اتحادیه ها و یا هر تشکل کارگری دیگری هم در حقیقت برای به دست آوردن قدرت چانه زنی بیشتر از طریق انحصاری کردن نیروی کار و در نتیجه به دست آوردن مزایای بیشتر در این جدال دائمی کار و سرمایه بوده است چرا که به گواهی تاریخ مبارزات کارگری هیچ امتیازی را که کارگران تاکنون به دست آورده اند نه تنها از طرف کارفرمایان و سرمایه داران به آنها اعطا نشده است بلکه در هر شرایطی که سرمایه داران قادر بوده اند سعی در باز پس گیری امتیازات به دست آورده ای کرده اند که کارگران در اثر مبارزات جمعی و تشکلات خود به دست آورده اند. بنا بر این ایجاد تشکلات کارگری مستقل و سراسری شدن این تشکلات تنها ضامن به دست آوردن حقوق حقه کارگران است، شاید در اینجا این سوال پیش آید که ارتباط این موضوع بسیار ساده و روشن با تعیین حداقل دستمزد ماهانه بر اساس حداقل معیشت یک خانوار و تعیین حداقل دستمزد بر اساس ساعت کار چیست؟ اگر نگاهی به مبارزات کارگران جهت ایجاد تشکلات سراسری بی اندازه متوجه می شویم که ابتدائی ترین و قوی ترین انگیزه برای پیوستن کارگران به تشکلات و به خصوص تشکلات سراسری طرح مطالباتی ساده، شفاف و همگانی است. مطالباتی که هر کارگری آن را خواسته خود دانسته و بتواند خود را حول آن خواسته در کنار دیگر کارگران بیابد. یکی از مزایای درخواست تعیین مزد بر اساس ساعت کار این است که کم سوادترین و ناآگاه ترین کارگران هم به راحتی قادرند در صورتی که چند ساعتی در هفته یا ماه کار اضافی انجام داده اند دست مزد خود را محاسبه کنند. از طرفی تعیین دستمزد ماهانه براساس معیشت یک خانوار خواسته ای همگانی و سراسری نیست و بخش زیادی از کارگران که مجرد و بدون همسر و فرزند می باشند خود را در این خواسته سهیم نمی بینند امروزه در کشورهای فاقد تشکلات سراسری کارگران، طرح هر درخواستی به ویژه

درخواست های سراسری به شکل پراکنده، به خصوص بدون گره زدن این خواسته ها با خواست ایجاد تشکلات سراسری چیزی جز کوبیدن آب در هاون نیست. باید توجه داشت که رابطه میان تشکلات کارگری و مطالبات برحق کارگران رابطه ای است دینامیک این بدان معنی است که اگر بی وجود تشکلات سراسری مبارزه برای درخواست هر مطالبه سراسری بی معنا و بی فایده خواهد بود، به همان میزان هم عدم وجود مطالبات ضروری سراسری و طرح کامل و جامع آن در شرایط مناسب توسط پیشروان مبارز و مورد وثوق کارگران بی معنی و بی فایده خواهد بود.

یکی از مزایایی که کارگران در طول مبارزات خود در بیشتر کشور های پیشرفته صنعتی توانستند به دست آورند میزان تعیین دستمزد بر اساس ساعات کار انجام شده می باشد، بدین معنی که امروز تقریباً در همه این کشورها که از تشکلات سراسری کارگری نسبتاً قدرتمندی هم برخوردارند حتی حقوق ماهیانه نیز بر پایه دستمزد یک ساعت کار استوار است. اساساً حتی در کشورهای که دستمزد بر اساس حقوق ماهیانه هم محاسبه و پرداخت می گردد کارفرمایان مجبورند برای پرداخت ساعات کار اضافی نرخ یک ساعت دست مزد را از حقوق ماهیانه محاسبه نمایند که معمولاً این گونه محاسبات همواره به زیان کارگران و به سود کارفرمایان است. از آنجا که این نوشتار در حقیقت گشایش بحثی است در رابطه با تعیین دستمزد بر اساس ساعت کار، بنا بر این تعیین میزان دستمزد که کاری کارشناسانه است را به بعد موکول میکنم زیرا که مسئله اصلی قبل از راه اندازی طرح میزان دستمزد همانگونه که در بالا اشاره کردم طرح مطالباتی است که بتوان بر اساس آن قدرت چانه زنی برای میزان دستمزد را به دست آوریم چرا که بدون ایجاد قدرت چانه زنی هر چه قدر هم که میزان دستمزد را واقعی و کارشناسانه به دست آوریم نمی توانیم آن را با شورای عالی کار به دست آوریم. پس چرا که اول ماه مه را با طرح خواست دستمزد بر اساس ساعت کار گره نزیم و سعی در ایجاد تشکلات قدرتمندی برای انحصار نیروی کار و از این طریق قدرت چانه زنی برای به دست آوردن دستمزدی عادلانه نکنیم.

فرخ قهرمانی

بیست و نهم آپریل 2018